



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۱ / شماره ۲ (پیاپی ۴۲) / تابستان ۱۴۰۱
صفحه ۳۷۱ تا ۳۹۰

افول یا ظهور شخصیت حقوقی شرکت های تجاری در فرآیند ادغام و تملک با رویکردی تطبیقی در حقوق انگلیس

سید حمیدرضا میرمحمد

دانشجوی دکتری تخصصی، مدیریت مالی، گرایش حقوق مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Email: hamid.mirmohammad@gmail.com

مهدی منتظر

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران (نویسنده مسئول)
Email: mhdmontazer@yahoo.com

سید نصراله ابراهیمی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: snebrahimi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۷

چکیده

هنگامی که خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات فیزیکی یا الکترونیکی را در فضای فیزیکی یا مجازی مبادله می‌کنند، ممکن است واحدهای اقتصادی که در تولید کالا یا خدمات فعالیت می‌کنند شرکت های متقاضی ادغام و تملک باشند که دارای شخصیت حقوقی بوده و با رعایت قانون تجارت یا قانون خاص حسب مورد تشکیل می‌شوند. نظر به ماهیت متفاوت ادغام و تملک، در فرآیند ادغام از یک طرف، اقدامات شرکتهای تجاری بنحوی است که موجب شخصیت حقوقی جدید و واحدی می‌شوند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب (و محو) می‌شوند، از طرف دیگر در تملک برخلاف ادغام، اقدامات شرکتهای ممکن است منجر به خرید و یا کنترل سهام، سرمایه و دارایی به شخص حقیقی یا حقوقی بشود. در این صورت مسئله تاثیر ادغام و تملک در محو یا بقای شخصیت های حقوقی درگیر فرآیند ادغام و تملک موضوعیت پیدا می‌کند؛ پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بر خلاف فرآیند ادغام که در اثر آن، شخصیت حقوقی محو یا ضمن محو شخصیت های حقوقی قبلی شخصیت حقوقی جدیدی شکل می‌گیرد، در فرآیند تملک، شخصیت حقوقی شرکت‌ها محو نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: شرکتهای تجاری، ادغام، تملک، شخصیت حقوقی.

۱- مقدمه

گرچه مقوله ادغام شرکتهای تجاری را نظر به تحولات تجاری اخیر در حوزه حقوق تجارت می‌توان یک ضرورت حقوقی- تجاری تلقی نمود لیکن عمل ادغام شرکتهای ایران، بویژه در پرتو لایحه جدید قانون تجارت، اگرچه موضوعی جدید می‌باشد، لیکن پیشینه تاریخی نیز می‌توان برای آن تصور نمود. در عین حال، یکی از مباحثی که بتازگی در مقررات ایران وارد گردیده است، بحث تملک شرکتهای تجاری می‌باشد. این موضوع در جهت تسهیل در واگذاری شرکتهای دولتی مشمول واگذاری در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد که از نظر ماهیتی در قوانین و مقررات تشریح نگردیده است.

شرکتهای تجاری غالباً به دلایل و اغراض مختلف درصدد ادغام با یکدیگر و ایجاد تشکیلات جدید و یا تملک، فارغ از استقلال حقوقی قرار می‌گیرند. لذا ادغام و تملک شرکتهای تجاری موجب پیوستگی و وابستگی شرکتهای در جهت کسب توان تجاری در بازارهای داخلی و خارجی می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که، تملک و ادغام متأثر از محاسبه کسب قیمتی و جاننشینی تقاضای کالا، تحلیل بازار، سهم بازار، صرفه‌های مقیاس و تحلیل ساختار بازار مربوطه و موانع ورود به آن می‌باشد.

بطور کلی می‌توان گفت که انواع شرکتهای تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکت یا سهامداران خود می‌باشند و در نتیجه این استقلال شخصیت حقوقی، تفکیک دارایی (اعم از دیون و مطالبات)، اموال و حقوق این دسته از اشخاص حقوقی حاصل می‌شود.

نظر به اینکه، تملک شامل هرگونه خرید و یا کنترل سهام، سرمایه و دارایی اعم از فیزیکی و یا معنوی در بورس، فرابورس و یا خارج از بازار سرمایه که موجب انتقال «نفع یا عین» به خریدار (اعم از شخص حقوقی یا حقیقی و یا بستگان درجه اول شخص حقیقی یا مدیران شخص حقوقی) به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم شود و با توجه به اینکه، ادغام پیوستن دو یا چند شرکت به هم می‌باشد و ممکن است همراه با تشکیل یک شرکت جدید باشد، و نیز با توجه به اینکه، طی فرآیند ادغام، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل ممکن است تشکیل شود یا شخصیت حقوقی ادغام شونده در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند، مسئله بقا یا محو شخصیت حقوقی اهمیت دوچندانی پیدا می‌نماید، بویژه اینکه از منظر حقوق تجارت، شکل کامل شرکت، صورتی است که از آن به «شخصیت حقوقی» تعبیر می‌شود و بدیهی است زمانی که شخصیت حقوقی ایجاد شد می‌توان حقوق و تعهدات را بر آن بار کرد.

۱- ادغام

«ادغام» یک واژه عربی است که مصدر باب افعال می‌باشد. (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶) ادغام از حیث لغوی، به معنای فشردن و فرو بردن دو چیز، داخل کردن چیزی در چیز دیگر، ترکیب کردن است. (معین، محمد، ۱۳۷۵) از منظر تاریخ حقوق در حوزه ادغام شرکتهای تجاری، گرچه دولت در راستای برنامه دوم، سوم و چهارم پنج ساله توسعه اقتصادی، موجبات ادغام شرکتهای تجاری را پیش بینی و حتی برای این موضوع چارچوب در نظر گرفته بود. لیکن برای نخستین بار بحث ادغام شرکتهای تجاری در سال ۱۳۵۰ در قانون شرکتهای تعاونی و

اتحادیه های تعاونی مطرح گردید.^۱ البته قانونگذار در ماده ۹۵ این قانون بدون اینکه تعریف جامع و مانعی از ادغام شرکت های تعاونی ارائه بدهد، چنین مقرر داشته است:

«هر شرکت تعاونی و یا هر اتحادیه تعاونی می تواند با توجه به مقررات این فصل با هر شرکت و یا اتحادیه تعاونی دیگر به شرطی که از یک نوع و دارای هدفها و عملیات مشابه باشند ادغام شود.» بعلاوه، ادغام شرکتهای تعاونی در ماده ۵۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد نیز پیش بینی شده است و نحوه اجرای آن را موکول به رعایت مواد آیین نامه نموده که در فصل دوم آیین نامه اجرایی قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب هیئت وزیران مورخ ۱۳۷۱/۵/۱۴ بحث ادغام شرکتهای تعاونی، تشریح گردیده است. در ماده ۸ آیین نامه مذکور مقرر شده است:

«مطابق ماده (۵۳) قانون، شرکت های تعاونی با رعایت مقررات این آیین نامه می توانند با یکدیگر ادغام شوند، مشروط بر آن که هنگام ادغام، مجموع زبان انباشته این شرکتها از مجموع سرمایه، ذخیره های قانونی و اندوخته های آنان بیشتر نباشد.» همچنین در ماده ۵۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد مقرر شده است: «شرکتهای تعاونی می توانند در صورت تصویب مجامع عمومی فوق العاده و طبق مقررات آیین نامه اجرایی این قانون با یکدیگر ادغام شوند. تبصره - صورت جلسات مجامع عمومی فوق العاده تعاونیهای ادغام شده منظم^۲ به مدارک مربوط باید حداکثر ظرف مدت دو هفته برای ثبت به اداره ثبت شرکتها تسلیم شده و خلاصه تصمیمات به اطلاع کلیه اعضاء و بستانکاران برسد.»

علی رغم اینکه در لایحه جدید قانون تجارت، ادغام شرکت های تجاری پیش بینی شده است در عین حال، در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۰ و لایحه اصلاحی آن در سال ۱۳۴۷، ادغام شرکت های تجاری تصریح نشده است. اگرچه در قوانین و مقررات ایران تعاریف جامع و کاملی از ادغام بیان نشده است، لکن با در نظر گرفتن نظریات حقوقی و تعاریف قانونی می توان ماهیت ادغام را تبیین نمود چرا که، اصولاً ادغام شرکت های تجاری در حوزه قانون تجارت، می تواند امری قابل تحقق باشد. در واقع، با امعان نظر در مقوله «شخصیت حقوقی» که جایگاه ویژه ای در فرآیند ادغام دارد، می توان گفت، ماده ۵۸۸ قانون تجارت بر این امر تاکید دارد که شخص حقوقی دارای حقوق و تکالیف شناخته می شود، به استثنای آن دسته از حقوق و تکالیفی که مخصوص اشخاص حقیقی می باشد. از این روست که گفته شده است: «در مورد اختلاط (ادغام) چند شرکت سهامی با یکدیگر موضوع مورد قبول اغلب قوانین است، زیرا اختلاط چند شرکت باعث تقویت مالی شرکتها شده و از لحاظ اقتصادی و تمرکز امور فوائد زیادی دارد. اختلاط شرکتها با یکدیگر یا بوسیله تاسیس شرکت واحدی از چند شرکت انجام می گیرد و یا بوسیله انحلال یک یا چند شرکت و واگذاری امور آنها به یک شرکت دیگر. (ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۸۰)»

در بادی امر، توصیف ادغام بدین نحو است که شرکت تجاری ادغام کننده می تواند با رعایت مقررات قانونی شرکت یا شرکتهای تجاری ادغام شونده را منحل و کلیه دارایی ها و تعهدات آن را تحصیل کند. البته بعضی در تعریف ادغام گفته اند ترکیب و اتحاد دو شرکت تجاری بدین منظور که یکی شوند. (Nicholas Grier، 1998) بعبارت دیگر،

^۱ البته در این قانون این ایراد وجود دارد که چون از طراحان اصلی ادغام بوده اند، می بایست به ادغام به صورت همه جانبه و منسجم و ضابطه مند می پرداختند.

^۲ البته «منظم» غلط املائی می باشد و صحیح آن «منضم» است و از این نظر قانون با غلط املائی مواجه است.

ادغام روش‌های حقوقی است که تمرکز شرکت‌ها را در جهت هماهنگی ابزارهای تولید آن‌ها تدارک می‌بیند. (صقری، محمد، ۱۳۹۰)

در حقوق انگلیس، ادغام در پنج مرحله شکل گرفته است که مصادف با انتهای قرن نوزدهم بوده است که از ۱۸۹۵ میلادی نقطه شروع آن شکل گرفته است. (Roberts, 2016) در حقوق انگلیس در مورد ادغام شرکت‌های تجاری اصطلاح merger استعمال می‌شود. اگرچه ادغام شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس تحت عنوان (fusion) نیز پیش‌بینی شده است که از آن معنای ادغام مستفاد می‌شود. در واقع، ادغام زمانی شکل می‌گیرد که، دو یا چند شرکت یا شرکت‌های دیگر را در خود حل می‌کند یا دو یا چند شرکت درهم حل شده، شرکت جدیدی به وجود آید. (اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۴) در ادغام معمولاً دو یا چند شرکت از یک نوع در یکدیگر ادغام یا جذب می‌شود. (خزایی، حسین، ۱۳۸۵)

مع الوصف، از حیث ماهوی می‌توان گفت که، ادغام قراردادی است بین دو یا چند شرکت تجاری که موجب محو شخصیت حقوقی یک یا چند یا همه شرکت‌های تجاری طرف قرارداد می‌گردد و کلیه حقوق و تعهدات شرکت یا شرکت‌های تجاری محو شده همزمان با انعقاد قرارداد به یکی از آنها و یا به یک شرکت جدید منتقل می‌شود و سهامداران و یا دارندگان سهم شرکت‌های تجاری محو شده مالک عوض تعیین شده در قرارداد می‌گردند. (خزایی، حسین، ۱۳۸۵) پس می‌توان چنین استدلال نمود که، ادغام قراردادی است بین دو یا چند شرکت تجاری که در اثر آن، شخصیت حقوقی یک یا چند شرکت تجاری طرف قرارداد محو می‌شود ضمن اینکه تمامی حقوق و تعهدات شرکت یا شرکت‌های تجاری محو شده به یکی از آنها و یا به یک شرکت جدید منتقل می‌شود، امری که وضوح در حقوق انگلیس نیز پذیرفته شده است. (Abdulhemed Al-Hemyari, 2012)

۲- تملک

یکی از مباحثی که مدتی است در ادبیات حقوقی ایران وارد گردیده، بحث تملک شرکت می‌باشد. این موضوع در جهت تسهیل در واگذاری شرکت‌های دولتی مشمول واگذاری در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشند وارد گردیده است. در حقوق ایران ابتدا در این خصوص لایحه قانونی اداره و تملک سهام شرکت‌ها و مؤسسات پیمانکاری و مهندسی مشاور مصوب ۱۳۵۸.۱۲.۱۸ قابل توجه است که در ماده ۲ آن چنین مقرر شده است: «کلیه سهام و داراییهای شرکت‌ها و مؤسسات مشمول بند "الف" و پنجاه و یک درصد سهام و داراییهای شرکت و مؤسسات مشمول بند "ب" پس از انجام اقدامات زیر به تملک دولت در خواهد آمد.» صرفنظر از این مقرر قانونی، ماده ۴۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به «تملك» اختصاص دارد که در آن مقرر شده است: «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکت‌ها یا بنگاه‌های دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اختلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد.

تبصره - موارد زیر از شمول این ماده مستثنی است:

۱- تملک سهام یا سرمایه به وسیله کارگزار یا کارگزار معامله‌گری که به کار خرید و فروش اوراق بهادار اشتغال دارد، مادامی که از حق رأی سهام برای اختلال در رقابت سوءاستفاده نشود؛ ۲- دارا بودن یا تحصیل حقوق رهنی

نسبت به سهام و سرمایه شرکتها و بنگاههای فعال در بازار یک کالا یا یک خدمت مشروط بر این که منجر به اعمال حق رأی در این شرکتها یا بنگاهها نشود؛ ۳- در صورتی که سهام یا سرمایه تحت شرایط اضطراری تملک شده باشد، مشروط بر این که حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تملک، موضوع به اطلاع شورای رقابت برسد و بیشتر از مدت زمانی که شورا تعیین می کند، تملک ادامه نیابد.»

درک مفهوم تملک و تعیین قلمرو آن از این منظر حایز اهمیت است که، قانونگذار ایران دو رژیم حقوقی متفاوت جهت نظارت بر تملک و در کنار آن، ادغام میان شرکت های تجاری را پیش بینی نموده است. واحد تجاری که از نظر نقدینگی غنی است یا از تسهیلات استقراض سرمایه برخوردار است می تواند از طریق تحصیل مالکیت در یک شرکت مستقر (مثلا خارج) گسترش صادرات بالقوه خود را در نظر داشته باشد. در این صورت، واحد تجاری می تواند از مجاری بازاریابی آن شرکت برای توزیع محصولاتش بهره مند شود و نیازی به ایجاد یک نمایندگی دائمی از آغاز کار در آن بازار ندارد. (اشمیتوف، بهروز اخلاقی، ۱۳۹۸) بازسازی ساختار اقتصادی در راستای توسعه ای اقتصادی مستلزم سازوکارهای متعدد در زمینه های بازارهای پولی و مالی است تا در نتیجه آن به رونق تجاری برسد که تملک شرکت های تجاری از آن جمله اند. قابل توجه است که میزان سرمایه گذاری خارجی در انگلیس در خصوص تملک به قدری زیاد است که حتی از مرز ۱۸۷/۴ میلیارد یورو نیز گذشته است. (2017, Mark Zerdin)

در حقوق ایران سرمایه ای اشخاص در شرکت های تجاری به دو صورت سهام و سهم الشرکه در می آید. سهام و سهم الشرکه حلقه پیوند بین شرکا یا سهامداران و شرکت محسوب می شوند که هدایت کننده مقررات ادغام و تملک نیز به شمار می آیند؛ تا جاییکه در حقوق برخی کشورها از جمله انگلیس از تملک شرکتها تعبیر به بازگشت سهام^۱ شده است. (2001, Kuenzi) سهام و سهم الشرکه از اقلام دارایی های اشخاص محسوب می شوند و هر دارایی (مالی و غیرمالی) دارای ارزش است. شخصی که سرمایه ای او به صورت سهام در می آید در قبال آن برگه ای سهام دریافت می کند، ولی صاحبین سهم الشرکه چنین سندی دریافت نمی کنند بلکه میزان مشارکت آنها در شرکتنامه قید می شود. وجه تمایز این دو نوع سرمایه در اصل قابلیت انتقال است. در خصوص سهام اصل بر قابلیت انتقال است که از آن تملک سهام شرکتها نیز بدست می آید. از این روست که از حیث ماهوی تملک در کنار ادغام به واگذاری آگاهانه کنترل و مالکیت تجارت سازماندهی شده در یک یا چند شرکت تعریف شده است. (2015, Coates)

سرمایه گذاران با استفاده از فرآیند فروش و انتقال سهام، بدنبال کسب بازدهی بالاتر نسبت به سایر فرصت های سرمایه گذاری و جذب سرمایه های سرگردان و راکد مردم و به کارگیری آنها در چرخه های مولد اقتصادی هستند که می تواند منجر به تملک شرکتها نیز گردد.

تملك در مقابل ادغام قرار دارد بدین معنی که در ادغام یک شرکت تجاری کنترل یکی یا چند شرکت دیگر را در دست می گیرد در حالی که در تملک کنترل یک شرکت تجاری در دست دو یا چند شرکت قرار می گیرد البته در فرهنگ حقوقی ما تملک مکرراً قابل مشاهده است و یک اصطلاح حقوقی می باشد تا اصطلاح حقوقی، که همانند واژه تفکیک این اصطلاح بیشتر برای زمین و اراضی ثبتی بکار می رود. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶) شایان ذکر است که، تملک شرکت می تواند منتهی به تجزیه شرکت و بدست آوردن آن شرکت

^۱ . Stock Return.

توسط شرکت دیگر نیز گردد بویژه در ارتباط با شرکتهای فرعی. از همین روست که گفته می‌شود: منظور از تملک، به دست آوردن مالکیت یک شرکت فرعی و کنترل آن، یا ترکیب با شرکت مزبور می‌باشد. (صیدی، حجت الله، ۱۳۸۲) در این بین، برخی از اساتید حقوق و اقتصاد، تجزیه را شامل تفکیک دارایی یک شرکت با حفظ شخصیت حقوقی یا بدون آن به نحوی که هر قسمت به شرکت جدیدی منتقل شود. در واقع دارایی شرکتهایی که در نتیجه ادغام یا تجزیه از بین می‌روند به شرکت جدید انتقال می‌یابد. (صقری، محمد، ۱۳۹۰)

قابل توجه است که، موارد مربوط به تملک در مورد شرکتهای عمومی، خواه خصوصی قابل اعمال می‌باشد. در حقوق تجارت بین الملل اگر شرکتی که قرار است مالکیت آن تملک شود یک شرکت عمومی باشد و قرار باشد سهام آن در بازار بورس بین المللی معامله گردد، مقررات مربوط به خرید سهام شرکتها برای اداره آنها و ادغامها و مقررات حاکم بر تحصیل مالکیت اسامی سهام باید مراعات شوند. (اشمیتوف، بهروز اخلاقی، ۱۳۹۸)

لازم به ذکر است که دستورالعمل اجرایی مواد ۴۷، ۴۸ و ۴۹ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۲۳/۷/۱۳۹۷ شورای رقابت «تملک» را از حیث ماهوی چنین تعریف می‌نماید: هرگونه خرید و یا کنترل سهام، سرمایه و دارایی اعم از فیزیکی و یا معنوی در بورس، فرابورس و یا خارج از بازار سرمایه که موجب انتقال «نفع یا عین» به خریدار (اعم از شخص حقوقی یا حقیقی و یا بستگان درجه اول شخص حقیقی یا مدیران شخص حقوقی) به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم شود.

پس می‌توان گفت، تملک به معنای عملی است که تمامی جهات تملک، اعم از قراردادی و قهری را در برمی‌گیرد؛ ثانیاً گاه تملک به معنای خاص کلمه و به معنای تملک قهری به کار می‌رود (معین، محمد، ۱۳۸۸)؛ به همین نحو، تملک قهری در اغلب فرهنگهای حقوقی معتبر، به عنوان اختیاری برای اخذ اموال خصوصی به منظور استفاده عمومی توسط دولت، شهرداری ها، اشخاص یا شرکتهای خصوصی که مجاز به اعمال کارکردهای نهاد عمومی تعریف شده است. (1990, Campbell Black) از همین رو در حقوق انگلیس نیز از تملک قهری به خرید اجباری^۲ تعبیر شده است. (2014, Vaughan David) لذا می‌توان گفت که، تملک شرکتهای تجاری هم می‌تواند از مجرای تملک اموال شرکتهای باشد هم از مجرای تملک سهام شرکتهای تجاری. زمانی که تملک شرکتهای تجاری از مجرای تملک سهام بصورت «ارادی» صورت می‌گیرد در قالب خرید سهام مطرح می‌شود. (2015, Coates) البته نگارنده بر این اعتقاد است که، بایستی تملک شرکت را از تملک سهم منفک نمود؛ چه بسا می‌توان پا را فراتر گذاشت و قائل بر این شد که تملک شرکت نتیجه قهری خریداری سهام است.

در حقوق انگلیس مسئله تملک شرکتهای تجاری همراه با ادغام از اواخر قرن نوزدهم مطرح گردید و تکامل یافته است و بگونه ای چرخه های مختلف و متفاوت ادغام و تملک با انگیزه های مختلفی شکل گرفته است. در حقوق این کشور ادغام در معنای عام خود، تملک را نیز دربر گرفته است بگونه ای که برخی با تاثیرپذیری از حقوق انگلیس، در تعریف ادغام به واژه «تملک» در تعریف ادغام اشاره نموده اند (2016, Malkovský). در نظام حقوقی انگلیس، تملک قلمرویی گسترده تر از معنای مرسوم آن در سایر شاخه های حقوقی یافته و به هر نوع «کنترل»

^۱ از همین روست که در نظر لغت شناسان فارسی نیز «تملک» در لغت به معنای به قهر ملک گردانیدن چیزی و ملکیت قهری آمده است.

^۲ Compulsory Purchase.

یک شرکت توسط شرکت دیگر اطلاق شده است خواه شرکت کنترل کننده مالکیتی بر شرکت کنترل شونده داشته باشد یا نه، اگرچه مطلوب خریداران (تملک کنندگان) این است که برای انجام عمل تملک، اقدام به ایجاد شرکتهای فرعی نمایند. (2015, Coates)

۳- اهداف دستیابی به ادغام و تملک

۳-۱- اهداف دستیابی به ادغام

معاملات ادغام و تملک متأثر از رویدادهای بازار مشتمل بر محاسبه کشش قیمتی و جانشینی تقاضای کالا، تحلیل بازار، سهم بازار، صرفه‌های مقیاس و تحلیل ساختار بازار مربوطه و موانع ورود به آن می باشد که ترسیم کننده انگیزه های دستیابی به ادغام و تملک است که این انگیزه ها را شرکت ها ممکن است در مقاطع مختلف بسته به منافع و اهداف خود به کارگیرند، البته این اهداف ناپیوستگی منجر به اختلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد. گرچه در ادغام هدف اصلی سهامداران به حداکثر رسیدن ثروت خود از طریق حداکثر شدن ارزش شرکت های درگیر ادغام است لیکن وقتی اهداف ادغام عملی نگردد، دنبال کردن اهداف ادغام، از سوی مدیران مورد غفلت واقع می شود و در نتیجه سهامداران نسبت به استفاده از سرمایه و ثروت خود توسط مدیران دچار تردید می شوند و به این ترتیب نوعی تضاد در منافع شخصی و عمومی بین مدیران و سهامداران بوجود می آید (2014, Coates) که تنها نتیجه آن بردن شرکت به سمت ورشکستگی و تحمیل هزینه های گزاف برای آن خواهد بود چرا که، منافع مدیران با خواسته های سهامداران همخوانی نخواهد داشت و در نتیجه اقدامات مدیران به سمتی سو خواهد یافت که منافع مشروع و ثروت سهامداران را به مخاطره خواهد انداخت.

ادغام شرکتهای تجاری طریقی است در راستای تامین منابع مالی شرکت و یا کاهش دلالتی ها. لذا ادغام شرکتهایی که رابطه تجاری (خرید و فروش) دارند موجب کم شدن دست دلال ها می گردد. همچنین، ادغام روش مناسبی برای شرکتهای دارای مدیریت قوی است که از آن بعنوان انگیزه مدیرانه یاد می شود. (2019, Paulina, Teerikangas) شرکتهایی که دارای مدیران توانمند هستند، کوشش خواهند کرد با خرید شرکتهای دیگر و ادغام سایر شرکتهای، عملیات مالی و اجرایی خود را گسترده تر نموده و در نتیجه سودآوری شرکت را بیشتر نمایند. لازمه اجرای برخی از طرح های بزرگ اقتصادی که نیاز به همفکری و سرمایه بسیار دارد از طریق ادغام شرکت های تجاری عملی می شود. بعلاوه با ادغام می توان از ورشکستگی شرکتهای جلوگیری نمود که نتیجه آن، شکوفایی و توسعه اقتصادی کشور است. از جمله انگیزه های اصلی ادغام: افزایش توان رقابتی شرکت های خصوصی در بازارهای جدید و بزرگ به منظور دست یابی آن ها به سهم بیشتری از بازار است، علاقه و نیل به توان رقابتی در بازارهای بین المللی از طریق ادغام شرکت ها، صرفه جویی در هزینه های و ارائه خدمات مطلوب در موضوعات مختلف تولید و خدمات، انگیزه سودآوری و ایمنی بیشتر و حساسی و نظارت بیشتر و دقیق، واکنش به فشارهای رقابتی و جلوگیری از پذیرش ریسک، تغییرات اقتصادی، حقوقی و محیط تجاری با توجه به شرایط جدید ایجاد شده، سازماندهی مجدد کانال های تولید و توزیع محصولات و تنوع بخشی به محصولات آن با توجه به مزیت های رقابتی، پایش و محدود کردن منابع در معرض انحلال، راهبری شرکتی، مدیریت و نظام کنترل

داخلی و سیستم‌های مدیریتی می‌باشد. در نهایت می‌توان گفت که ادغام شرکتهای تجاری می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌ها و ریسک تجاری و افزایش بهره‌وری و مدیریت بازار سرمایه باشد و تاثیرات فراوانی در امور اقتصادی و مالی باشد. اشتیاق و علاقمندی به ادغام شرکتهای تجاری به تولید صنعت جدید و رشد و گسترش آن بر می‌گردد. تمرکز فعالیت‌های کار دستی در کارگاه و تمرکز فعالیت‌های کارگاهی در کارخانه و دست‌آورد ادغام کارخانه‌های مختلف برای افزایش توانمندی در رقابت و فتح بازارهای جهانی و گرفتن کوچک‌ترین بازار صنایع نوپای کشورهای دیگر انگیزه اصلی را در این عرصه تشکیل می‌دهد. (صقری، محمد، ۱۳۹۰)

۳-۲- اهداف دستیابی به تملک

برخی از اقتصاددانان می‌گویند هر چه رقابت شدیدتر باشد، کارگزاران اقتصادی کم‌تر به همدیگر به چشم رقیب می‌نگرند؛ زیرا در این صورت قدرت تاثیر آن‌ها بر یکدیگر کم‌تر می‌شود. در این صورت هیچ‌یک از آن‌ها احساس نمی‌کند که از سوی دیگران تحت فشار است، در صورتی که در بازاری که رقابت اندک است و تولیدکنندگان زیاد نیستند، هر یک خود را در فشار سختی می‌بینند؛ اما بسیاری از اقتصاددانان این را نمی‌پذیرند. آن‌ها بر این باورند که افزایش تعداد رقیبان به افزایش رقابت می‌انجامد. (رنانی، محسن، ۱۳۷۶) تملک شرکتهای جریان آزاد سرمایه است که در راستای اهداف مدیران مبنی بر استفاده‌ی بهینه از منابع و دارائیهای موجود در بازار به کارگرفته می‌شود. شرکتهای تملک‌کننده، تملک شرکتهای را به مثابه ابزاری موثر در راستای کسب رشد، سریع‌ترین راه برای دسترسی به بازارهای جدید و افزایش سودآوری و کارایی می‌دانند.

هریک از شرکتهای تملک‌کننده و بویژه شرکتهای متعدد تملک‌شونده، به دلیل وسعت فعالیت‌های تجاری در رشته‌های خاص فعالیت می‌کنند که در همان رشته، میان شرکت مزبور و شرکتهای دیگر رقابت وجود دارد، در نتیجه، هریک از شرکتهای کسب و کار و بازار خاص خود را دارند. بازار مکان و یا موقعیتی است که در آن خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات و منابع را خرید و فروش می‌کنند. برای هر کالا، خدمت یا منبعی که در اقتصاد خرید و فروش می‌شود، بازاری وجود دارد. (دومینیک، سبحانی، ۱۳۷۲) کالا و خدماتی که در بازار عرضه می‌شود معمولاً مستلزم همکاری شرکتهای تجاری متعددی می‌باشد چرا که بازار نه تنها عبارت از شبکه روابط بین مبادله‌کنندگان یا تمرکز سازمان یافته برخورد عرضه و تقاضای مربوط به کالاها و خدمات معین است (منتظر ظهور، محمود، ۱۳۶۹) بلکه، غالباً یک شرکت تجاری به تنهایی و بدون همکاری با شرکتهای تجاری دیگر، نمی‌تواند کلیه ملزومات لازم برای تولید و آماده کردن یک کالا را تدارک ببیند.

باید توجه داشت که تملک همواره نافی رقابت بین شرکتهای نیست و در این راستا در حقوق انگلیس قانون موسوم به Enterprise Act تملک‌داری توسط شرکتهای تجاری را با تاکید بر اصطلاح «enterprise» مشروع و قانونمند نموده است. (2013, Meeting, agenda) از این رو، همانطور که همکاری بین شرکتهای بایستی مشروع باشد، به همین نحو، رقابت در زمینه‌های تجاری نیز نیز بایستی مشروع باشد. در این راستا، در ماده ۴۷ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی به درستی بر این نکته تاکید شده است که: «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکتهای یا بنگاههای دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اخلال در

رقابت در یک و یا چند بازار گردد.» به این ترتیب، رقابتی در فرآیند تملک شرکتهای مورد تایید و حمایت قانون است که «مشروع» باشد. در نتیجه، در مواردی که شرکتهای تجاری با توسل به روشهای نامشروع به منافع تجاری شرکتهای دیگر لطمه می زنند، چنین رقابتی وصف «نامشروع» به خود می گیرد که البته با منع قانونی رو به روست و مستوجب مسئولیت مدنی. همانطور که در حقوق انگلیس طی قانون رقابت ۱۹۹۸ و قانون مرتبط با ادغام و بازرسی بازار (The Enterprise Act 2002) ممنوعیت های برای توافق های ضدرقابتی وجود دارد. (بادینی، حسن، ۱۳۹۱) با توجه به اینکه، فرایند تملک اغلب به منظور افزایش سهم بازار انجام می شود، لذا تملک می تواند کنترل منطقی و هدفمندی بر بازار حاکم نماید؛ (SIAN, 2006) لیکن چنین کنترلی نباید منجر به کسب سود نامشروع در بازار گردد. همچنانکه، در حقوق اسلامی فراگرفتن همه حرفه‌هایی که حفظ نظام جامعه اسلامی بر آن متوقف است و تولید کالاها و خدماتی که این مهم بر آن توقف دارد، واجب شمرده شده است. (شیخ انصاری، ص ۶۱) از نظر اسلام تعقیب سود شخصی تحریم نشده است. فقط برای آن قیود و ضوابطی وضع شده؛ مانند این که اگر فعالیتی برای وی سودآور بود، اما به حال دیگران ضرر داشت، این فعالیت ممنوع شده است یا اگر تولیدکننده‌ای برای کسب سود بیش تر بخواهد قسمتی از محصول خود را تلف کند، شرع مقدس او را از این کار باز می دارد؛ هم چنین فعالیت‌های تولیدی با استفاده از رانت بپردازند، امری غیر مشروع است؛ اما اگر تولید کننده‌ای مرتکب هیچ‌یک از این گونه امور نشد، مجاز است با دیگران برای کسب درآمد و سود بیش تر به رقابت بپردازد. (حر العاملی، محمد بن الحسن، ۴۰۳ق)

باید توجه داشت که، توزیع درآمد و ثروت ناشی از نظم بازار ممکن است برای بعضی کسان بسیار ناگوار آید؛ یعنی بازندگانی باشند که از هر نظر شایستگی‌شان بیش تر از برندگان است؛ اما این وضع را نمی توان ناعادلانه خواند؛ چون هیچ رفتار ناعادلانه‌ای آن را به وجود نیاورده است. (غنی‌نژاد، موسی، ۱۳۷۶) حال، اگر از مسیر مشروع و با رعایت ضوابط، شرکت رقیب تملک شود، سهم فروش آن شرکت متعلق به شرکت تملک کننده می شود، در نتیجه طبیعی است شرکتی که کنترل رقیب را به دست گرفته است، فروش بیشتری داشته باشد. این فروش بیشتر به درآمد و سود بیشتر منجر می شود. شرکت تملک کننده از تجارب و متخصصان خود استفاده می کند تا موجب بهره‌وری از عملیات‌های شرکت هدف شود. علاوه بر این، شرکت تملک شونده نیز از ظرفیت های شرکت تملک کننده سود می برد.

تملك شرکتهای می تواند با هدف انحصار صورت بگیرد، از همین رو، باز خرید سهام توسط شرکت برای جلوگیری از تصاحب و تملک خصمانه از سوی دیگران و شکل دهی نوعی انحصار می تواند باشد و شکل دهنده یکی از اهداف اصلی تملک شرکتهای باشد. تملک، یکی از ارکان استراتژی بلندمدت کسب و کار در بازار است. همکاری‌های جدید، تملک شرکت‌ها بر اساس ترسیم چشم‌انداز شرکت‌ها^۱ صورت می گیرد، بنابراین باید به شکلی صحیح تبلور استراتژی شرکت تملک کننده در نیل به اهداف تعریف شده باشد.

۱. تملک شرکتهای نیابتی کورکورانه باشد. لذا شرکتهایی که به صورت کورکورانه و بی هدف و بدون سازوکار تملک شرکتهای را به منظور ایجاد رشد و افزایش دارایی به‌کار می‌گیرند، که نتیجه‌ای جز اخلال در رقابت نخواهد داشت.

بهبود عملکرد شرکت در بازار، هم شامل عملکرد شرکت تملک شونده و هم شرکت تملک کننده می‌شود و یکی از مهم‌ترین دلایل استراتژی‌های سوددهی از طریق تملک است. شرکتی که تحت کنترل شرکت دیگر درمی‌آید، غالباً عملکرد بهتری خواهد داشت بویژه زمانی که قراردادهای کار و حقوق و دستمزد شرکتهای تملک شونده را بهبود بخشد. (1999, Conyon). علاوه بر این شرکت تملک کننده و شرکت تملک شونده تأثیر بیشتری بر بازار خواهند داشت چرا که از این طریق احتمال اینکه بتوانند سهم بیشتری از بازار را در اختیار بگیرند، بیشتر خواهد شد. نتیجه طبیعی و منطقی چنین امری این است که، به دنبال سهم بیشتر در بازار و تحکیم موقعیت به ویژه موقعیت شرکت تملک شونده، سود بیشتری برای شرکت تملک کننده و شرکت تملک شونده حاصل می‌شود که به نوعی می‌توان به هم افزایی^۱ (فرج‌وند، اسفندیار، 1396) رسید. (حسن‌نژاد، محمد، ۱۳۹۶)

۴- مفهوم شخصیت حقوقی

در این قسمت سعی می‌شود ابتدا تعریف دقیقی از شخصیت حقوقی بعمل آید سپس به اقسام آن پرداخته خواهد شد.

۴-۱- تعریف شخصیت حقوقی

هدف از تشکیل شرکت ممکن است مالی و کسب سود باشد و یا ممکن است جنبه‌ی اخلاقی و اجتماعی داشته باشد که این نوع اتحاد انجمن نام دارد. زمانی که دو یا چند نفر آورده‌های خود را به اشتراک می‌گذارند به قصد همکاری با یکدیگر و شراکت در سود و زیان حاصل از این همکاری، حاصل جمع این آورده‌ها و همکاری جمعی، ایجاد شخصیت حقوقی مستقل است. اجتماع سازمان یافته از اشخاص یا اموال برای دستیابی به هدف مشترک در قالب قانونی را شخصیت حقوقی گویند. (امامی، محمد، ۱۳۸۹) شخصیت حقوقی مفهومی است اعتباری و انتزاعی که اعتبار آن بستگی به اراده‌ی قانونگذار دارد، نه اراده‌ی تشکیل دهندگان شخص حقوقی. لذا اعطای «اهلیت» توسط قانونگذار انجام می‌شود که بر اساس این اهلیت اعتباری شخصیت حقوقی شکل گرفته (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۶) و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و صلاحیت اجرای حق رخ می‌دهد که از گذر آن، دارنده می‌تواند واجد حق و تکلیف شود. حتی اعطای شخصیت حقوقی جدید به دو یا چند شخصیت حقوقی قبلی، باعث می‌شود که دارای وجود علیحده و مجزی از وجود اعضای تشکیل دهنده آن باشد و همه آنان با هم تحت نام شخصیت حقوقی جدید^۲ قرار گیرند؛ چون اعطای شخصیت حقوقی جدید باعث هویت بخشی و دارا شدن اهلیت اشخاص حقوقی قبلی می‌گردد.

^۱ هم افزایی یا "Synergy" را چنین می‌توان تعریف کرد: همکاری مجزای چند عامل به طوری که اثر کلی آنها از جمع اثرات آنها که به صورت مستقل به دست می‌آید بیشتر باشد. از هم افزایی در راستای بیان اثر فعالیت گروهی و افزایش بازده کار گروهی به فعالیت‌های فردی و مستقل استفاده می‌شود.

^۲ در حوزه ادغام از شخصیت حقوقی جدید تحت عنوان شخصیت حقوقی «موجود» بایستی یاد کرد؛ همچنانکه در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی بند "ز" ماده (۱۱۱) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۳ اشعار شده است:

«مفهوم ادغام یا ترکیب شرکتها از لحاظ مقررات مالیاتی به دو صورت ذیل می‌باشد:

الف - انتقال داراییها و بدهی‌های یک یا چند شرکت به یک شرکت دیگر که از این پس شرکت موجود نامیده می‌شود، به طوری که شرکتهای ادغام شونده منحل می‌شوند لکن شرکت موجود نام و هویت خود را حفظ کرده و دارایی و بدهی آن به میزان جمع دارایی و بدهی شرکتهای ادغام شونده

طبق ماده ۵۸۴ ق.ت کلیه شرکت های تجاری شخصیت حقوقی دارند. طبق ماده ۵۸۸ ق.ت، شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت و نبوت و امثال ذلک. پس دارا بودن شخصیت حقوقی یعنی شرکت صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها را دارد. در صورت اعطای شخصیت حقوقی جدید به دو یا چند شخصیت حقوقی قبلی، باید آن را در زمره مؤسسات یا نهادهای تجاری دانست که با اعطای شخصیت حقوقی، دارای اهلیت و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیفی می گردد که جدای از صلاحیت و تکالیف شخصیت های حقوقی قبلی خواهد بود. در این صورت همه شخصیت های حقوقی قبلی تحت اسم یک شخص واحد حقوقی شناخته می شوند. بدیهی است که هیچ شخصی نمی تواند علیه خودش طرح دعوی نماید؛ همانگونه که یک شخص حقیقی و یک شرکت تجاری یا مؤسسه حقوقی نمی تواند علیه خود شاکی باشد، در این صورت شخصیت های حقوقی قبلی که تحت یک شخصیت حقوقی جدید شکل گرفته اند، نمی توانند علیه همدیگر طرح دعوی نمایند.

۲-۴-۲- اقسام شخصیت حقوقی

اشخاص حقوقی به اشخاص حقوقی عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی تقسیم می شوند. اشخاص حقوقی حقوق خصوصی هم به شرکت های تجاری و مؤسسات غیر تجاری قابل تقسیم است. شخصیت حقوقی ویژگی مشترک کلیه شرکت های تجاری است.

شخصیت حقوقی ممکن است مربوط به اشخاص حقوقی عمومی باشد مانند شرکت ملی نفت. برخی اشخاص حقوقی حقوق عمومی را به سه دسته تقسیم بندی کرده اند:

- ۱) دولت (به مفهوم سه قوه و هر سه قوه دارای شخصیت حقوقی مستقل) و قوه مجریه که وزارتخانه های فاقد شخصیت حقوقی مستقل می باشند؛
- ۲) مؤسسات عمومی مستقل از دولت مانند بنیاد شهید و سازمان تربیت بدنی که شخصیت حقوقی مستقلی دارند؛
- ۳) نهادهای عمومی غیرمتمرکز و نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری ها. (امامی، محمد، ۱۳۸۹)

می توان گفت که اشخاص حقوقی عمومی از گستردگی فراوانی برخوردارند همچنانکه دولت، شهرداری ها، شرکت های دولتی، و برخی مؤسسات و سازمان های عمومی که از استقلال مالی و اداری برخوردارند، از این دسته هستند. برابر با ماده ۵۸۷ قانون تجارت، مؤسسات و تشکیلات بلدی (شهری)، به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت، دارای شخصیت حقوقی می شوند. (ساکت، محمدحسین، ۱۳۸۶) در نقطه مقابل اشخاص حقوق خصوصی قرار دارند که با روابط خصوصی مردم سروکار دارند که در حوزه حقوق خصوصی فعالیت می نمایند که در قالب سه دسته: شرکت های تجاری، مؤسسات غیر تجاری و در نهایت موقوفات قرار می گیرند. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۶)

افزایش می یابد؛ ب -

۵- تأثیر ادغام و تملک در افول یا ظهور شخصیت حقوقی شرکت های تجاری

دقت نظر در مقررات ادغام و تملک در قوانین خاص نشان می‌دهد که شخصیت حقوقی در تعریف ادغام و تملک جایگاهی اساسی دارد تا جاییکه از محو یا جذب یا بقای شخصیت حقوقی در تعریف این دو به صراحت سخن رانده شده است. اما بایستی خاطر نشان ساخت که جایگاه شخصیت حقوقی در این دو متفاوت است و از این رو در ادامه به تفکیک حکم هریک بیان می‌شود.

۵-۱- ادغام و افول شخصیت حقوقی با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلیس

شرکتهای تجاری به طرق گوناگون می‌توانند شرکت یا شرکتهای تجاری دیگر را تحت کنترل خود درآوردند و شخصیت حقوقی آنان را دستخوش تغییر قرار دهند. ادغام قانونی یا ادغام واقعی و نیز ادغام عملی که از طریق تحصیل سهام کنترل و تحصیل دارایی صورت می‌گیرد می‌توانند شخصیت حقوقی شرکتهای درگیر ادغام را در معرض افول در درجات مختلف قرار دهند.

گرچه هدف ادغام حفظ شخصیت حقوقی، انتقال دیون و مطالبات شرکتهای منحل شده به شرکتهاست که از ادغام آنها بوجود آمده است. لیکن قابل توجه است که، قانون اصلاح موادی از برنامه چهارم توسعه در ماده ۱ بند ۱۶ در خصوص ادغام چنین مقرر می‌دارد:

« اقدامی که طی آن چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند.»

در ماده ۱۰۵ قانون پنج ساله توسعه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)^۱ در خصوص ادغام چنین آمده است:

« الف - ادغام شرکتهای تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکتهای - شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکتهای ادغام‌شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکتهای تجاری موضوع ادغام، مجاز است. امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد. کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکتهای موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود. کارکنان شرکتهای موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار

^۱ اهمیت این قانون به حدی است که در راستای آن بخشنامه نیز صادر شده از جمله بخشنامه شماره: ۲۴۱۳۲/۲۰۰۲/ص بتاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور در این خصوص قابل توجه است:

به موجب تبصره ماده ۱ آیین نامه اجرایی بند(ز) ماده ۱۱۱ قانون مالیاتهای مستقیم، ادغام یا ترکیب شرکت ها مشروط به تحصیل مجوز قانونی آن شده است. نظر به اینکه در خصوص مجوز مزبور، ابهاماتی مطرح می‌باشد. بدینوسیله اعلام می‌گردد: مطابق حکم بند(الف) ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، «ادغام شرکت های تعاونی، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه(بقاء یکی از شرکت ها- شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه(محو شخصیت حقوقی شرکتهای ادغام شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید- شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت های تجاری موضوع ادغام، مجاز است...» بنابراین، این حکم در طول اجرای قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه به منزله مجوز ادغام شرکتهای موضوع تبصره ماده (۱) آیین نامه فوق الاشاره بوده و در صورتی که شرکتهای با رعایت مقررات، حسب تصمیمات مجامع عمومی، ادغام و مراتب را در اداره ثبت شرکتهای ثبت نمایند، با رعایت سایر مقررات امکان برخورداری از تسهیلات مقرر در ماده(۱۱۱) قانون مالیاتهای مستقیم را دارا می‌باشند.

توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکتهای موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکتهای ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است. ب- دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغامها را مطابق فصل (۹) قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاستهای کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی» پیش‌بینی نماید.» در حقیقت، ادغام یک پروسه تجاری تلقی می‌گردد و و احکام خاصی دارد، بگونه ای که، از حیث ماهوی، در ادغام، شخصیت حقوقی شرکت ادغام شونده از بین می‌رود و در اثر آن، کلیه حقوق و تعهدات شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام پذیرنده منتقل می‌گردد اما باید در نظر داشت که محو شخصیت حقوقی در طی فرآیند ادغام درجاتی دارد و اوفول آن مطلق نیست که در ذیل به تفکیک بیان می‌گردد:

در ادغام از نوع واقعی یا قانونی، شرکت تجاری ادغام کننده به جای تحصیل سهام شرکت ادغام شونده، می‌تواند با رعایت مقررات قانونی، شرکت تجاری ادغام شونده را منحل و کلیه دارایی‌ها و تعهدات آنرا تحصیل نماید در نتیجه، کلیه این دارایی‌ها و تعهدات شرکتهای ادغام شده به شرکت بازمانده منتقل می‌شود؛ (تفرشی، محمدعیسی، ۱۳۸۰) که در حقوق انگلیس نیز ادغام واقعی در اکثر نظام های حقوقی بر دو قسم است. ۱- ادغام ساده ۲- ادغام ترکیبی (مرکب). این تقسیم بندی در حقوق کشورهای اروپایی از جمله انگلیس دیده می‌شود. در حقوق ایران در هیچ کدام از قوانین تصویب شده سخنی از ادغام واقعی نشده است حتی قانون شرکت های تعاونی سال ۱۳۵۰ که به ادغام پرداخته شده است هیچ گونه سخنی از انواع ادغام نشده است. البته شایان ذکر است که در لایحه جدید قانون تجارت انواع ادغام به این صورت در ماده ۸۰۵ بیان شده است: «ادغام شرکت های تجاری به دو صورت یک جانبه و دو (یا چند) جانبه امکان پذیر می‌باشد.» بنابراین، در لایحه جدید قانون تجارت نیز ادغام شرکت‌های تجاری بدون تعریف به دو قسم ساده و مرکب تقسیم بندی شده است. در عین حال، به جذب یک یا چند شرکت در شرکت دیگر، ادغام ساده و به تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یکدیگر، ادغام مرکب اطلاق می‌شود.

۱-۱-۵- افول مطلق: بقای شخصیت حقوقی شرکت ادغام کننده با رویکرد تطبیقی در حقوق انگلیس
از منظر افول کامل شخصیت حقوقی در ادغام ساده می‌توان گفت که غالباً یک شرکت سهامی که سرمایه و امکانات بیشتری دارد شرکت سهامی کوچکتر و انفعالی تر را در خود جذب می‌کند، شرکت سهامی باز مانده در نتیجه سرمایه خود را افزایش می‌دهد. شرکت سهامی ادغام شده جزئی از شرکت سهامی باز مانده (ادغام کننده) می‌گردد و وجود جدا گانه خود را از دست می‌دهد. (عیسائی تفرشی، محمد، ۱۳۸۶) قابل توجه است که، در ادغام ساده شرکت جدیدی تشکیل نمی‌شود، بلکه در واقع، کلیه شرکت های تجاری طرف قرارداد در یکی از آنها ادغام می‌شود.

پس می‌توان گفت که، در ادغام ساده شرکت تجاری باز مانده در نتیجه سرمایه خود را افزایش می‌دهد. شرکت تجاری ادغام شده، جزئی از شرکت تجاری بازمانده می‌شود و وجود و ماهیت خود را از دست می‌دهد. علاوه، انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها یک شرکت به شرکت دیگر منتقل می‌شود و شرکت‌های ادغام شونده نیز منحل می‌شوند. لکن شرکت تجاری موجود نام و هویت خود را حفظ می‌کند و دارایی و بدهی‌های آن به میزان جمع و دارایی و بدهی شرکت‌های ادغام شونده اضافه می‌شود. در این نوع ادغام با جذب و یا ضمیمه کردن شرکت دیگر را جذب می‌کند. در این حالت، شرکت‌های مجذوب نیز به یکباره حذف و سرمایه شرکت جاذب افزایش می‌یابد. (صقری، محمد، ۱۳۹۰)

۲-۱-۵- افول نسبی: ظهور شخصیت حقوقی جدید

مسئله ظهور شخصیت حقوقی جدید در ادغام مرکب موضوعیت دارد. چنانچه داراییها و تعهدات دو شرکت تجاری به یک شرکت تجاری جدید منتقل شود، ادغام مرکب یا ترکیبی خواهد بود. عبارت واضح تر، ادغام شرکت‌های تجاری ترکیبی عبارت است از اینکه دو یا چند شرکت تجاری یک شرکت تجاری جدید ایجاد می‌کنند که در آن شرکت جدید ترکیب شوند و شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری موجود از بین رفته و منحل گردد. (عیسائی تفرشی، محمد، ۱۳۸۶) به تعبیر دیگر می‌توان گفت: «ادغام مرکب عبارتست از اینکه دو یا چند شرکت سهامی، یک شرکت سهامی جدید را ایجاد کنند که در آن ترکیب شوند، به نحوی که شخصیت حقوقی شرکت‌های سهامی موجود از بین رفته و منحل گردد. پس در این ادغام شرکت تجاری جدیدی که در نتیجه قرارداد ادغام تاسیس می‌گردد دو شرکت تجاری موجود را تصاحب می‌کند. برای مثال در ادغام ترکیبی شرکت سهامی الف و ب شرکت سهامی ج را ایجاد کرده و در آن ادغام می‌شوند، در حالی که در ادغام ساده شرکت سهامی ب در الف ادغام می‌شود. (بیگی حبیب آبادی، احمد، ۱۳۹۰)» در واقع در ادغام ترکیبی، ادغام بر پایه برابری با تشکیل شرکت دیگر دو یا چند شرکت به یکباره از بین رفته و در شرکت جدید که برای این منظور تاسیس شده وارد می‌گردد. به این ترتیب، قواعد عمومی شرکت‌ها بی‌کم و کاست به اجرا در می‌آید. (صقری، محمد، ۱۳۹۰) لذا پرواضح است که در ادغام ترکیبی انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های یک یا چند شرکت به شرکت جدید تجاری صورت می‌پذیرد؛ به نحوی که شرکت‌های ادغام شونده منحل و میزان دارایی و بدهی‌های شرکت جدید معادل دارایی و بدهی‌های شرکت‌های ادغام شونده خواهد بود. البته گفتنی است که ادغام ترکیبی همواره مطلوب و ثمرده نیست؛ چه بسا، گاه به تشکیل شرکتهایی بزرگ شده که بدلیل قدرت اقتصادی شان بازار را قبضه و رقابت سالم را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. البته در ادغام مرکب اینکه شرکت‌های طرف ادغام کوچک‌اند یا بزرگ یا اینکه نیاز به تشریفات مختصر دارند یا طولانی، موضوعیت ندارد و آنچه که موضوعیت دارد صرفاً این است که شرکت‌های هم نوع بتوانند درهم ادغام گردند.

همچنین قابل توجه است که ادغام ترکیبی در آیین نامه اجرایی بند "ز" ماده (۱۱۱) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۳، به انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های یک شرکت به شرکت جدید، به طوری که شرکت‌های ادغام شونده منحل شده و میزان دارایی و بدهی شرکت جدید معادل جمع دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت ادغام

شوند می باشد، تعریف شده است؛ همچنانکه در ماده ۱ این آیین نامه اشعار شده است:

« مفهوم ادغام یا ترکیب شرکتها از لحاظ مقررات مالیاتی به دو صورت ذیل می باشد:

الف - انتقال داراییها و بدهی های یک یا چند شرکت به یک شرکت دیگر که از این پس شرکت موجود نامیده می شود، به طوری که شرکت های ادغام شونده منحل می شوند لکن شرکت موجود نام و هویت خود را حفظ کرده و دارایی و بدهی آن به میزان جمع دارایی و بدهی شرکت های ادغام شونده افزایش می یابد؛ ب - انتقال داراییها و بدهی های یک یا چند شرکت به شرکت جدید، به طوری که شرکت های ادغام شونده منحل شده و میزان دارایی و بدهی شرکت جدید معادل جمع داراییها و بدهی های شرکت های ادغام شونده خواهد بود.

تبصره - ادغام یا ترکیب شرکتها به یکی از دو طریق مندرج در این ماده مشروط به آن است که مجوز قانونی آن تحصیل شده باشد.»

قابل توجه است که در لایحه جدید قانون تجارت نیز ادغام شرکت های تجاری بدون تعریف به دو قسم ساده و ترکیبی تقسیم بندی شده است و به تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یکدیگر، ادغام ترکیبی نامیده شده است.

پس می توان گفت که، ادغام مرکب یا ترکیبی فرآیندی است که طی آن، شخصیت حقوقی کلیه شرکت های تجاری درگیر در فرآیند ادغام از بین رفته و در یک شرکت تجاری که توسط طرفین ایجاد می گردد، ترکیب می شوند و شرکت تجاری جدید کلیه داراییهای شرکت های تجاری قبلی را تصاحب می نماید. به این ترتیب، در ادغام ترکیبی، نیز یک نوع انحلال بدون تصفیه چند شرکت تجاری نهاده شده است. پس همچنان شخصیت حقوقی شرکت تداوم دارد و باعث افزایش قدرت اقتصادی و توان مالی و اجرایی شرکت های ادغام شده در انجام پروژه های بزرگ می شود.

۳-۱-۵- جذب توأم با بقای شخصیت حقوقی

قسمی از ادغام وجود دارد که در آن جذب شخصیت حقوقی رخ می دهد ولی شخصیت حقوقی همچنان باقی است، که به ادغام عملی معروف است، اگرچه در حقوق ایران، تفکیکی بین ادغام واقعی و عملی در قوانین مشاهده نمی شود. توضیح اینکه ادغام عملی موجب انحلال شرکت یا شرکت های تجاری ادغام شونده می شود. لیکن استقلال شخصیت حقوقی شرکت های درگیر ادغام همچنان باقی است (حکیم جوادی، احمد، ۱۳۹۶) لذا در این قسم از ادغام، یک شرکت تجاری با خرید سهام یا دارایی شرکت یا شرکت های دیگر کنترل آنها را در اختیار خود می گیرد، بدون اینکه شخصیت حقوقی هیچ یک از شرکت های تجاری طرف قرارداد زائل گردد.

در تحصیل دارایی، شرکت ادغام کننده به جای وارد شدن در مدیریت شرکت تجاری ادغام شونده، داراییهای آن را تحصیل می کند. در این حالت، شرکت تجاری ادغام شونده هر چند شخصیت حقوقی خود را حفظ می کند، لکن از مدار فعالیت های تجاری خارج می شود. لیکن در تحصیل سهام کنترل کننده، شرکت سهامی ادغام کننده با تحصیل سهام شرکت ادغام شونده می تواند در هیأت مدیره شرکت سهامی ادغام شونده وارد شده و به آسانی از طریق تعیین مدیران وابسته به خود کنترل کامل کار شرکت را دست خود بگیرد. در این فرض، هر چند شخصیت

حقوقی شرکت ادغام شونده از بین نمی‌رود، ولی شرکت ادغام‌کننده با توجه به موقعیتی که پیدا می‌کند، می‌تواند در کلیه تصمیمات شرکت ادغام شونده دخالت نموده و سیاستهای خود را در آن اعمال نماید. البته نگارنده بر این اعتقاد است که جذب شخصیت حقوقی یک شرکت در شرکت دیگری زمانی ادغام تلقی می‌گردد که لزوماً شرکت جذب شونده، شخصیت حقوقی (و نه صرفاً استقلال حقوقی) خود را از دست بدهد. بر این مبنا، در صورت همگرایی میان چند شرکت با وجود بقا و حیات همه آنها نمی‌توان عمل مذکور را ادغام نامید؛ چرا که شرط ضروری برای ادغام، انحلال حداقل یکی از شرکتهای طرف توافق است؛ همچنانکه در دستورالعمل اجرایی مواد ۴۷، ۴۸ و ۴۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به «محو شخصیت حقوقی» در ادغام اشاره شده است. در این دستورالعمل مقرر شده است: ادغام «اقدامی که براساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند» می‌باشد. از این رو، در حقوق شرکتهای تجاری ایران، تفاوت مهم میان ادغام و تملک که قلمرو هر یک از آنها را تعیین و مرزهای میان آن دو را ترسیم می‌کند در این نکته مهم و اساسی خلاصه می‌شود که محو شخصیت حقوقی یک یا چند شرکت طرف ادغام شرط ضروری تحقق آن است. به عبارت دیگر، در اثر ادغام، حداقل یکی از شرکتهای طرف آن منحل و از بین می‌رود.

۲-۵- تملک و ظهور شخصیت حقوقی جدید

از منظر محو یا عدم محو شخصیت حقوقی، در تملک شرکتهای تجاری ماهیت حقوقی شرکتها محو نمی‌شود و فقط از دارایی شرکتها استفاده می‌گردد و مدیریت و اداره شرکت کمافی السابق وجود دارد، لیکن می‌توان گفت که در هنگام دستیابی به سهام هدف، شرکت تملک‌کننده، کل شرکت و دارایی‌های آن را بدست می‌آورد. (p2, Meloni, Snell) لذا در تملک شرکت، شخصیت حقوقی شرکتهای تملک شونده از بین نمی‌رود، اما در ادغام شرکتهای تجاری، شخصیت حقوقی شرکتهای ادغام شونده محو و از بین می‌رود. به همین نحو در تملک شرکتهای تجاری موضوع شرکتهای مشمول واگذاری اصل ۴۴ قانون اساسی، چند شرکت (تملك شونده) بدون محو شخصیت حقوقی، هر کدام به یک شرکت قابل واگذاری دیگر (تملك کننده) منتقل می‌گردد و سپس به وزارت امور اقتصادی اجازه دهد نسبت به واگذاری شرکت تملک‌کننده اقدام نمایند.^۱ پس می‌توان گفت که، در تملک شرکتهای تجاری موضوع شرکتهای مشمول واگذاری اصل ۴۴ قانون اساسی، چند شرکت بدون محو شخصیت حقوقی، هر کدام به یک شرکت قابل واگذاری دیگر (تملك کننده) منتقل می‌گردد. همانطور که در مبحث قبلی بیان شد، تفاوت مهم میان ادغام و تملک در این نکته خلاصه می‌شود که محو شخصیت حقوقی یک یا چند شرکت طرف ادغام شرط ضروری تحقق آن است. شایان ذکر است که، تملک شرکت میتواند در نتیجه خریدن دارایی‌های آن توسط شرکت دیگر انجام گردد. لیکن بعد از انعقاد قرارداد، شخصیت حقوقی شرکتی که دارایی آن خریداری شده باقی می‌ماند، لکن معمولاً پس از فروش دارایی‌ها، شرکت با تصمیم ارکان آن منحل و وجوه حاصله را بین سهام داران تقسیم می‌نماید. بطور کلی شرکتی که داراییهای شرکت دیگر را خریداری می

۱ - قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان خصوصی سازی، وزارت امور اقتصاد و دارایی ماده ۱۸

نماید مسئولیتی در قبال تعهدات شرکت فروشنده ندارد. در این حالت، هیئت مدیره شرکت تملک کننده ممکن است با خود سهامداران وارد معامله شود و بطور مستقیم و بی واسطه سهام سهامداران را خریداری نماید و سپس وقتی مقدار سهام متناسب را تحصیل نمود موجبات انحلال شرکت را فراهم آورد. هنگامی که شرکتی سهام شرکت دیگر را تحصیل می نماید، رابطه جدید بین معمولاً از نوع شرکت مادر و شرکت تابع است. خرید سهام شرکت دیگر بدین منظور انجام می گیرد که شرکت خریدار، کنترل شرکت دیگر را بر عهده بگیرد و بدین وسیله هیئت مدیره شرکت را تغییر داده یا در تصمیمات مجامع عمومی اکثریت را به دست آورد. (بیگی حبیب آبادی، احمد، ۱۳۹۰) در حقوق انگلیس از این روش تحت عنوان تملک (تصاحب) خصمانه^۱ یاد می شود که در حوزه حقوق بازرگانی و حقوق مالیه، به بدست آوردن اکثریت سهام و مهار شرکت علیرغم میل مدیران آن تعبیر می شود که در واقع منجر به تغییر مدیریت می گردد. (2018, Briefing paper)

نتیجه گیری

بحث ادغام و تملک شرکتهای تجاری را با توجه به تحولات تجاری اخیر در حوزه حقوق شرکتهای بایستی یکی از ضرورت های مسلم در این حوزه از حقوق مالی تلقی نمود که از این مسیر، نیازهای بازار و بویژه نیازهای تولید و خدمات واحدهای اقتصادی موجد تقاضا برای افزایش معاملات ادغام و تملک می باشد. وقتی که از ادغام و تملک بحث می شود، مفروض این است که شرکتهای متقاضی ادغام و تملک دارای شخصیت حقوقی بوده و با رعایت مقررات تجاری حسب مورد تشکیل شده اند؛ لذا با عنایت به موضوع استقلال شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری، تفکیک دارایی (اعم از دیون و مطالبات) و اموال و حقوق شرکتهای مذکور از شرکا و سهامداران حاصل می شود. بعد از عملی شدن فرآیند ادغام و تملک نظر به ماهیت حقوقی - مالی متفاوت نهادهای ادغام و تملک، اقدامات ناشی از ادغام و تملک، شخصیت حقوقی شرکتهای قبلی و شرکت موجود را به چالش می کشد.

قانونگذار ایرانی دو رژیم حقوقی متفاوت جهت نظارت بر تملک و در کنار آن، ادغام میان شرکتهای تجاری را پیش بینی نموده است، لیکن در حقوق انگلیس ادغام در معنای عام خود، تملک را نیز شامل می شود. در نظام حقوقی انگلیس، تملک قلمرویی گسترده تر از معنای مرسوم آن در سایر شاخه های حقوقی یافته و به هر نوع «کنترل» یک شرکت توسط شرکت دیگر اطلاق شده است خواه شرکت کنترل کننده مالکیتی بر شرکت کنترل شونده داشته باشد یا خیر. لیکن در حقوق ایران تملک شامل هرگونه خرید و یا کنترل سهام، سرمایه و دارایی اعم از فیزیکی و یا معنوی در بورس، فرابورس و یا خارج از بازار سرمایه که موجب انتقال «نفع یا عین» به خریدار (اعم از شخص حقوقی یا حقیقی و یا بستگان درجه اول شخص حقیقی یا مدیران شخص حقوقی) به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم می شود. پس می توان چنین استدلال نمود که، ادغام قراردادی است بین دو یا چند شرکت تجاری که در اثر آن، شخصیت حقوقی یک یا چند شرکت تجاری طرف قرارداد محو می شود ضمن اینکه تمامی حقوق و تعهدات شرکت یا شرکتهای تجاری محو شده به یکی از آنها و یا به یک شرکت جدید منتقل می شود، امری که به روشنی در حقوق انگلیس نیز پذیرفته شده است. آنچه که از مقاله حاضر بدست می آید این است که از منظر افول

^۱ . Hostile takeover

یا ظهور شخصیت حقوقی، در تملک شرکت‌های تجاری ماهیت حقوقی شرکت‌ها محو نمی‌شود و فقط از دارایی شرکت‌ها استفاده می‌گردد و مدیریت و اداره شرکت کمافی السابق وجود دارد، لیکن در ادغام شرکت‌های تجاری، شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام شونده با افول مطلق (ادغام ساده) و نسبی (ادغام مرکب یا ترکیبی) رو به روست. حتی در فرضی که طی فرآیند ادغام، جذب شخصیت حقوقی رخ می‌دهد، لیکن شخصیت حقوقی همچنان باقی است، که به ادغام عملی معروف است، جذب شخصیت حقوقی یک شرکت در شرکت دیگری زمانی ادغام تلقی می‌گردد که لزوماً شرکت جذب شونده، شخصیت حقوقی (و نه صرفاً استقلال حقوقی) خود را از دست بدهد.

فهرست منابع

- * اسکینی، ربیعا، سال ۱۳۸۴، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول، تهران انتشارات سمت.
- * امامی، محمد، استوارسنگری، کورش، (۱۳۸۹)، حقوق اداری، چاپ یازدهم، تهران، میزان.
- * بادینی، حسن، زمستان ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی مسوولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری، نشریه: مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره ۴۲، شماره ۴.
- * بیگی حبیب آبادی، احمد، ۱۳۸۳، حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۳، شماره ۵ بهار .
- * بیگی حبیب آبادی، احمد، ۱۳۸۰، مطالعه تطبیقی ادغام شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس و آمریکا، رساله ی دوره ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- * حر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۳ق، وسائل الشیعه، ج ۱۲، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- * حسن نژاد محمد، فدایی نژاد، محمداسماعیل، ۱۳۹۶، بررسی انگیزه های خرید و ادغام (M&A) در بازار سرمایه ایران، عنوان نشریه: چشم انداز مدیریت مالی، دوره ۷، شماره ۲ (۱۸).
- * حکیم جوادی، احمد؛ پاسبان، محمدرضا، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی مقررات ماهوی کنترل ادغام از منظر حقوق رقابت در نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا و ایران، فصلنامه علمی مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۰ تابستان.
- * خزایی، حسین، سال ۱۳۸۵، حقوق تجارت، جلد اول، تهران انتشارات قانون.
- * رنانی، محسن، بازار یا نابازار، ۱۳۷۶، سازمان برنامه و بودجه، تهران .
- * ساکت، محمدحسین، ۱۳۸۶، شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، تهران، انتشارات جنگل.
- * سالواتوره، دومینیک، ۱۳۷۲، تئوری و مسائل اقتصاد خرد، حسن سبحانی، تهران، ششم، ش، نشر نی.
- * ستوده تهرانی حسن، سال ۱۳۸۰، حقوق تجارت جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات دادگستر.
- * شیخ انصاری، المکاسب، المکاسب الحرمه، چاپ رحمت‌الله، بی تا.
- * صقری، محمد، سال ۱۳۹۰، حقوق بازرگانی، شرکت‌ها، انتشارات سهامی انتشار.
- * صیدی، حجت الله، ۱۳۸۲، راهبرد تجدید ساختار: ادغام و تملک، نشریه حسابدار شماره ۱۵۵، ص ۲۸.
- * دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۱، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- * عیسائی تفرش، محمد، ، مباحث تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، تهران، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات انار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- * عیسائی تفرشی، محمد، ۱۳۸۶، حقوق تجارت، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- * غنی‌نژاد، موسی، ۱۳۷۶، معرفت شناسی علم اقتصاد، تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- * فرج‌وند، اسفندیار، ۱۳۹۶، از هم‌افزایی تا هم‌آفرینی، مدیریت سازمان‌های دولتی، سال ششم، زمستان شماره ۱ (پیاپی ۲۱، ص ۵۲).
- * کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۶، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران، بهنشر.
- * جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۶، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش.
- * معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- * منتظر ظهور، محمود، ۱۳۶۹، اقتصاد، تهران، سازمان انتشارات دانشگاه تهران.
- * Campbell Black, H. (1990), Black's Law Dictionary, west publishing Company.
- * Chatterjee, R. Kuenzi, 2001, A. T, Mergers and acquisitions, The influence of methods of payment on bidder's share price, Cambridge Univ. (United Kingdom). Judge Inst. of Management Studies.
- * John C. Coates IV, 2015, Mergers, Acquisitions, and Restructuring, Types, Regulation, and Patterns of Practice, Harvard Law School Cambridge.
- * John C. Coates IV, 2015, Mergers, Acquisitions, and Restructuring: Types, Regulation, and Patterns of Practice, Harvard Law School Cambridge.
- * John C. Coates IV, 2015, Mergers, Acquisitions, and Restructuring: Types, Regulation, and Patterns of Practice.
- * Malkovský, Michal, 2016, Regulation of Mergers and Acquisitions: A Comparative Analysis of Some Aspects of the EU and U.S. Law, JUBN16 Comparative Company Law Autumn.
- * Mark Zerdin, 2017, The Merger and Acquisitions Review, 87 Lancaster Road, London, Published in the United Kingdom by Law Business Research Ltd, London.
- * Martin J. Conyon, Sourafel Girma, Steve Thompson, Peter W. Wright, 1999, The impact of mergers and acquisitions on profitability and employee remuneration in UK manufacturing industry, University of Nottingham, p.2.
- * Nicholas Grier 1998, UK company law, John Wiley & Sons Ltd, England.
- * Ohn C. Coates IV, 2014, Mergers, Acquisitions and Restructuring: Types, Regulation, and Patterns of Practice (Harvard John M. Olin Discussion Paper Series Discussion Paper No. 781, July, p.10.
- * OWEN, SIAN, 2006, The history and mystery of merger waves: A UK and US perspective, Working Paper Number -02 School of Banking and Finance, The University of New South Wales, p.3.
- * Paulina Junni and Satu Teerikangas, 2019, Mergers and acquisitions, Oxford University Press USA.
- * Peter Harris, 2013, Corporate Tax Law: Structure, Policy and Practice, Cambridge University Press.
- * Philip Snell and Kathrine Meloni, Acquisition finance in the UK (England and Wales): overview, p. 1.
- * Roberts, Alexander, Wallace, William, Peter, Moles, 2016, Mergers and Acquisitions, Edinburgh Business School, United Kingdom.
- * The Enterprise Act 2002
- * Vaughan David, Smith Lucy Clements, (2014), "An Introduction to Compulsory Purchase Valuation Principles Spanning 150 years", Journal of Building Survey Appraisal & Valuation, No. 2, p.185.

Comedown or emergence of legal personality of commercial companies in the process of merger and acquisition with comparative approach in English law

Seyed Hamidreza Mirmohammad

PhD Candidate, Financial Management, Financial Law, Faculty of Management & Economy, Sciences & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
hamid.mirmohammad@gmail.com

Mehdi Montazer

Assistant Professor of Private Law, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Damavand Branch, Damavand, Iran (corresponding author).
mhdmontazer@yahoo.com

Seyed Nasrollah Ebrahimi

Associate Professor, Faculty of law & political sciences, Tehran University, Tehran, Iran
snebrahimi@ut.ac.ir

Abstract

When buyers and sellers exchange physical or electronic goods and services in physical or virtual space, the economic units involved in the production of goods or services may seek mergers and acquisitions that have legal personality and formed pursuant to the commercial act or similar act. Due to the different ownership of the merger and acquisition, in the merger process, on the one hand, the actions of the commercial companies are such that they create a new and unified legal personality or disappeared in another legal personality, on the other hand in the acquisition - unlike the merger – the actions of companies may lead to the purchase or control of shares, capital, and assets to a natural person or legal entity. In this situation, the effect of mergers and acquisitions on the disappearance or survival of legal personality involved in the mergers and acquisitions process becomes relevant. The present study illustrates that unlike the merger process - as a result of which the legal personality disappears or a new legal personality is formed while the previous legal personality disappears, but the legal personality of the companies does not disappear in acquisition process.

Keywords: Commercial Companies, Mergers, Acquisitions, legal Personality.